

بررسی آداب پیوند زناشویی و ویژگی‌های ساختار خانواده در متون تاریخی حماسی پس از شاهنامه

مهرناز فیروزمند

دانشجوی دکتری ادبیات، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

جهاندوست سبزعلیپور

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

احمد رضا نظری چروده

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

شهریار حسن‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۸ شماره ۷۱ ص ۲۳-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

چکیده:

مهمترین و معتبرترین مآخذ برای دستیابی به دیدگاه‌ها و آداب و رسوم ایرانیان در خصوص مسائل خانواده، متون ادبی کهن است. قطعاً متون کهن حماسی سروده شده پس از شاهنامه از جمله، بانوگشسپ‌نامه، پرزنامه، جهانگیرنامه، بهمن‌نامه، شهریارنامه، فرامرزنامه، گرشاسب‌نامه، سام‌نامه و کوش‌نامه که منابع مورد نظر تحقیق حاضر می‌باشند، از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این آثار هستند. متون کهن حماسی مورد مطالعه صرف‌نظر از برتری‌ها و مزایای شعری و جنبه‌های کلامی و بلاغی، گنجینه‌ای گرانبها هستند که از آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، هم‌چنین اسنادی برخوردار می‌باشند. با توجه به بررسی انجام شده، تحقیق و تفحص از اصالت و هم‌کفو بودن دختر و پسر، اذن گرفتن از والدین، دادن نشان از سوی پسر برای پابندی در مقابل همسر آینده و فرزند، گرامیداشت مقام همسر با دادن وعده‌های بزرگ، سوگند خوردن به وفاداری، شرکت کردنخواستگار در آزمون‌های با شروط سخت و خطرناک جهت سنجش قدرت و توان، خواستگاری، بله و برون، آراستن عروس توسط مشاطه، عقدکنان، دادن شایاش به عروس و داماد، ساقدوش یا همراهان داماد در شب عروسی، دادن جهاز به دختر از سوی پدر دختر، دادن تحفه به عنوان رونمایی از عروس توسط داماد، از جمله آیین‌های جشن ازدواج در فرهنگ ایران زمین است که اغلب آنها در حال حاضر نیز ساری و جاری می‌باشد.

کلمات کلیدی: همسرگزینی، بررسی، متون کهن حماسی، خانواده، ایران

مقدمه

تحقیق در فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی و اخلاقی هیچ کشور و ملتی بدون تحقیق و پژوهش در آداب و رسوم پیشینیان آن‌ها مقدور نیست. بدیهی است سابقه طولانی و قدمت تاریخی ملل بزرگ، ضرورت توجه به گذشته‌های فرهنگی و تاریخ تحولات اجتماعی را تقویت می‌کند. تلاش امروز ملت-های بزرگ و متمدن، بازشناسی، بازسازی و بازخوانی آثار فرهنگی مکتوب و غیرمکتوب تاریخی است. ایرانیان با پیشنه‌های قابل احترام، از زمان‌های بسیار دور موفق بوده‌اند تا آداب و رسوم اخلاقی، دینی و اجتماعی خود را در آثار ادبی خود منعکس نمایند و اسناد فرهنگی معتبری از اصالت و نجابت خود را برای جهانیان و نسل‌های آینده خود به یادگار بگذارند. از جمله آداب و رسوم که در متون منظوم سروده شده پس از شاهنامه، سرایندگان بدان پرداخته‌اند آداب و رسوم مربوط به قبل از ازدواج، تحقیق و تفحص، شناخت اصل و نسب دختر و پسر، هم‌کفو بودن دختر و پسر، ملاقات دختر و پسر، دادن نشان، مراسم خواستگاری، نامزدی، ازدواج، جشن عروسی، هدایا و... است که به صورت پراکنده در جای جای متون مورد مطالعه به چشم می‌خورد و بی‌تردید آشنایی با آن در شناخت خانواده ایرانی و پژوهش درباره آن مفید و مؤثر است. قراردادهای و ضوابط ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان، سنت‌ها و آداب اجتماعی اقوام، متفاوت است. «پژوهش‌های تاریخی و تحقیقات مردم‌شناسی نشان می‌دهند که از زمان‌های دور، ازدواج و خویشاوندی در ایران گونه‌ای نظام یافته داشته است. افراد خود را در دلائلی از جمله هم‌خونی و یا ازدواج خویشاوند یکدیگر می‌دانسته‌اند و بر پایه همین خویشاوندی‌ها محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را بر روابط پی‌ریزی می‌کرده‌اند» (خاتمی، ۱۳۸۷). بررسی منظومه‌های حماسی که بعد از زمان فردوسی به پیروی از سبک شاعری او سروده شده‌اند علاوه بر اینکه قدرت شاعری فردوسی را بیش از پیش بر همگان آشکار می‌سازد ما را با نمونه‌های دیگر از حماسه‌سرایی (مصنوع) آشنا خواهد ساخت.

در این پژوهش با نگاهی تازه و علی‌رغم شباهت‌های آیین ازدواج و هم‌سرگزینی در متون کهن مورد مطالعه با آیین ازدواج در شاهنامه، به بررسی و شناختن درون‌مایه این موضوع پرداختیم. دیدگاه‌های متفاوت سرایندگان این آثار اشتراکات فرهنگی و دینی آنها را در ارتباط با امر مقدس ازدواج نشان می‌دهد، بیشتر رسم‌های ساری و جاری بیان شده در دل این آثار، حاکی از تلاش برای تکرار و ماندگار ساختن رسم‌های این آیین می‌باشد. ازدواج‌های نشان داده شده در این متون، بر حسب قاعده و قوانین متداول بوده است. تغییرات یا دگرگونی‌های صورت گرفته بسیار کم توانسته ماهیت اصلی این آیین را تغییر دهد. مهمترین و مرسوم‌ترین آیین‌ها و رسم‌های رایج در

رابطه با هم سرگزینی در دوران ایران باستان را می‌توان به دو بخش اصلی و چندین زیربخش تقسیم نمود.

ویژگی‌های ساختاری خانواده در متون کهن حماسی

۱- آداب و رسوم پیش از ازدواج

آداب و رسوم در متون حماسی بعد از شاهنامه فردوسی در ایران به دو دوره پیش از ازدواج و پس از ازدواج تقسیم می‌شده است. از جمله آداب پیش از ازدواج می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

بررسی اصالت خانوادگی عروس و داماد آینده

برای پهلولنان و قهرملنان داستان‌های منظومه‌ها و همین‌طور خانواده آنها، بودن عروس آینده، از شاهزادگان و یا از بزرگان مملکت و یا داشتن خانواده اصیل و نجیب حائز اهمیت بوده است. به عنوان مثال؛

در جهانگیرنامه، رستم از کنیزک در مورد اصل و نسب دلنواز دختر مسیحای عابد این‌گونه می‌پرسد:

خبردار گشتی چو از نام من	خبر ده مرا زین بت سیم تن
چه نام است اورا و جایش کجاست	که رویش چو خورشید و مه باصفاست؟
کنیزک چو گفت تهمتن شنید	دلش زان سخن شادمانی گزید
بود نام این ماهرخ، دلنواز	که همتا ندارد به شام و حجاز
پدر باشدش عابدی پاکدین	یکی باخرد مرد گوشه‌نشین
مسیحای عابد بود نام او	بود اندرین بیشه آرام او

(جهانگیرنامه، ۱۳۸۰: ۲۱)

در دیگر منظومه‌ها این موضوع به شکل‌های مشابه انجام می‌گرفته است. در برزنامه (۱۳۸۷: ۶) سهراب جهت دیدن و پرسیدن از اصالت شهرو خدمتگزاران را فرا می‌خواند و بعد از دیدن شهرو از وی اصل و نسبش را جویا می‌شود، یا در بانوگشسپ‌نامه (۱۳۸۲: ۶۴)، فرامرز عکس آرزو دختر شاه فرطورتوش را در داستان پری می‌بیند، عاشق وی شده و در موردش پرس و جو می‌کند. در فرمرزنامه (۱۳۸۲: ۳۷۵)، فرامرز جهت آشنایی بیشتر از آرزو اصل و نسبش را می‌پرسد. در گرشاسب‌نامه (۱۳۷۴: ۴۹)، جمشید بعد از دیدار با سمن‌ناز از وی اصلتش را پرس و جو می‌کند و یا در شهریارنامه، شاه شهریار از دلارام این‌گونه اصل و نسبش را جویا می‌شود:

بدو گفت ای حور رضوان سرشت	بگو کآدمی یا که حور بهشت
کزین گونه رویی ندیدم دگر	که در روز مهر است و در شب قمر
بدو گفت آن مه که ای نامدار	کمین بندهات چاکرت روزگار
بدان گه که مادر مرا نام کرد	مرا نام نامی دلارام کرد
پدر مر مرا گرد جمهور دان	ز بهر وی این فتنه و شور دان

(شهریارنامه، ۱۳۷۷: ۳۲۲-۳۲۳)

یا در بهمن‌نامه، رستم برای شاه بهمن از پرسیدن اصل و نسب کتایون دختر شاه صورکشمیر این-گونه سخن به میان می‌آورد:

بپرسیدم از مرد خسرو پرست	مرا گفت کاین شاه را دخترست
همی دارد این پادشاهی به پای	به فرهنگ و دانش به تدبیر و رأی
مهان از جهان مهربان وی‌اند	شب و روز در داستان وی‌اند
نه او جفت خواهد نه شاهش دهد	خُنک انک در خویش راهش دهد
کتایونش نام و به دانش تمام	خردمند و آهسته و نیک‌نام
نکردی به دیدار هر کس نگاه	نه خود گوهر شاه گشتی تباه

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۹)

در مورد انتخاب داماد آینده نیز بالأخص برای خانواده عروس این مقوله بسیار حائز اهمیت بوده است. ارتباط شاهان و پهلوانان به چند طریق ممکن صورت می‌گرفته است که یکی از آن موارد انتخاب هم‌سر از بین دختران یا دختر شاه از سوی پهلوان و انجام پیوند ازدواج بین آنها است، بنابراین آگاهی داشتن در رابطه با مواردی همچون، نژاد پهلوان، حرفه و کار وی، جنگاوری پهلوان، از ملزومات اولیه برای پذیرش وی برای دامادی بوده است.

در منظومه جهانگیرنامه (۱۳۸۰: ۲۰-۲۲) دختر مسیحای عابد با فرستادن کنیزک خود نزد رستم، در مورد اصل و نسب وی اطلاع می‌یابد و کنیزک جهت بیشتر شناختن رستم، وی را به عبادت‌گاه پدر دختر می‌فرستد. در دیگر منظومه‌ها نیز مثل برزنامه (۱۳۸۷: ۱۷-۱۸) افرا سیاب جهت شناختن هر چه بیشتر داماد آینده‌اش، از اصل و نسبش پرس و جو کرده است. در شهریارنامه، ارزنگ شاه در مورد اصل و نسب شهریار این‌گونه می‌پرسد:

بدو گفت ارژنگ کای نامور	به یزدان که دادت چنین یال و فرّ
که برگو نژاد از که داری درست	که فرّ یلی ظاهر از چهر توست
بدو گفت کای خسرو نامدار	نبیره تهمتن منم شهریار
سرافراز فرزند برزو منم	که در رزم با زور بازو منم

(شهریارنامه، ۱۳۷۷: ۲۱۴-۲۱۵)

در ادامه به جهت مهم بودن موضوع، ارژنگ شاه با دانستن اصالت و نژاد شهریار به نزدیکان و سپاهیان خویش پیشینه وی را این‌گونه بیان می‌کند:

به گردان چنین گفت شاه دلیر	که ای نامداران گردان شیر
بدانید کاین مرد با فرّ و داد	ز سهراب دارد به گیتی نژاد
جهانجوی از پشت رستم بُود	دگر کی شما را به کین غم بُود

(همان: ۲۱۵-۲۱۶)

در منظومه فرامرزنامه (۱۳۸۲: ۳۹۳-۳۹۴)، فرطورتوش از سیه‌دیو، نژاد فرامرز شاه را پرس و جو می‌کند، یا در گرشاسب‌نامه (۱۳۷۴: ۲۱۳)، شاه روم اصل و نسب گرشاسب را از طریق بازرگانی که در راه با گرشاسب هم‌سفر شده بوده از وی می‌پرسد. همین‌طور در سام‌نامه (۱۳۹۲: ۹۷-۹۸-۱۰۷-۱۳۵)، شاه فغفور چین اصالت سام را طی چندین بار پرس و جو به همراه تهدید، از سعدان بازرگان، دو ست سام جويا می‌شود. در دیگر منظومه‌ها نیز این پدران بوده‌اند که بعد از رضایت داشتن از اصالت داماد آینده با دختر خویش در مورد وی صحبت می‌داشته‌اند، چنانچه در بهمن‌نامه (۱۳۷۰: ۱۲۹)، شاه کشمیر بعد از فهمیدن اصالت بهمن با دخترش کتایون این چنین اصل و نسب وی را بازگو می‌کند:

ز شادی بر افروخت رخ شاه شام	در آمد بر دختر نیکنام
بدو گفت کای مایه نیکویی	نگر تا نداری سر بد خویی
که آن کس که با تو نبرد آژمود	شهنشاه بود ار چه بیگانه بود
سوار جهان بهمن نامدار	ز پشت کیان پور اسفندیار
شهنشاه ایران و دارای چین	بمردی چنونیست کس بر زمین

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۱۲۹)

بررسی همکفو بودن یا همان برابری طبقاتی

در متون کهن حماسی مورد مطالعه در بیشتر داستان‌ها اهمیت گزینش همسر از سطح و طبقه‌ای برابر، هم در مورد دختر و هم پسر ذکر گردیده است. چه بسا عدم رعایت فاصله طبقاتی، مخالفت والدین به صورت تحقیر کردن خواستگار دختر یا تحقیر و کم ارزش نشان داده شدن از سوی خود زوجه را در برداشته است. به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً هم‌تا باشند. این معیار، موجب تفاهم زن و شوهر و مهم‌ترین عامل پرورش صحیح فرزند و استحکام خانواده است. در بانوگشسپ‌نامه، از مهم‌ترین مواردی که در رابطه با خواستگاران بانوگشسب بدان توجه می‌شود، هم کفو نبودن یا داشتن فاصله طبقاتی می‌باشد:

ز دشمن کجا و صلّم آید به دست	که خود دوستی پیش دشمن بدست
بترسید سخت از بد روزگار	به یاد آمدش پند آموزگار
کجا کبک با باز دم‌ساز شد	کجا شیر با گور همراز شد

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۲۲)

و یا در فرامرزنانه (۱۳۸۲: ۳۸۹-۳۹۰) فرطورتوش شاه هم کفو نبودن فرامرز با دخترش را نقل کرده است و فرامرز را هم‌گوهر با خود نشان ندانسته است. در بهمن‌نامه (۱۳۷۰: ۱۲۳-۱۲۶)، پدر کتایون، شاه بهمن را زمان م سابقه با دخترش، ناتوان و عاجز خطاب می‌کند. در دیگر منظومه‌ها چون، گر شا سب‌نامه (۱۳۷۴: ۳۷۵-۳۷۶) و در سام‌نامه م سألّه تفاوت طبقاتی و ناهم سان بودن زوجین از سوی نزدیکان و یا خود مع شوقه مثل پریدخت در برابر سام، با شیوه‌های مختلفی به چشم می‌خورد. به طور مثال:

مرا چون تو پسته دهان تنگ نیست	که حاصل ز نام تو جز ننگ نیست
کسی مرد سر پنجه عشق توست	که ناید ز ترک خطایی خطا
تو بر مهر چون من نباشی تمام	برو باز گرد ای گران‌مایه سام

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که، رعایت فاصله طبقاتی و برابری زوجین جهت ازدواج با همدیگر یکی دیگر از معیارهای مهم هم سرگزینی در دوران باستان بوده و همچنین جزء سنت‌های مهم

محسوب می شده که در بیشتر موارد بزرگان و سران طایفه با سفارش کردن به پهلوانان، آنان را راهنمایی می کردند. در گر شا سب نامه، نریمان به سفارش بزرگان از انتخاب کردن هم سری هم گوهر یا همان هم طبقه، این چنین با شاه افریدون سخن به میان می آورد به عنوان مثال::

وز آن سو نریمان چو یک مه بود	به درگاه شه رفت شبگیر زود
کمر بسته راه و بر سر کلاه	ز بهر شدن خواست فرمان شاه
دگر گفت کز چین چو برخاستم	بر شهریار آمدن خواستم
مرا عم من پهلوان داد پند	که چون باز خانه رسی بی گزند
یکی جفت شایسته کن در خورت	بپیوند ازو در جهان گوهرت
که خواهد نژادی بزرگ از تو خاست	که گیتی بدارد به شمشیر راست

(گرشاسب نامه، ۱۳۷۴: ۳۷۵-۳۷۶)

ملاقات دختر و پسر

در دوران ایران باستان این رسم به طور کل معمول و متداول نبوده است. با توجه به اینکه داستان های سروده شده درون مایه حماسی دارند و شخصیت ها اسطوره هایی در سطح ملی هستند. ملاقات ها و ارتباطات پنهانی برای عاشق و معشوق در بیشتر موارد هدفدار بوده است. از بارزترین و ملموس ترین ارتباطات بین عاشق و معشوق که در متون کهن حماسی بدان اشاره شده است، دیدارهای اجمالی برای ثبوت عشق فی مابین و گاهی هم بسته به ضرورت امر، دیدارهای واجب و مهم را می توان عنوان داشت. در شهریار نامه (۱۳۷۷: ۲۶۷-۲۶۸)، شهریار، در ملاقات پنهانی با فرانک، برای وی از رفتنش به جنگ با دشمنان ارژنگ شاه سخن گفته و از وی می خواهد تا زمان بازگشتش از جنگ نزد پسر عمویش بهزاد بماند، که با مخالفت فرانک روبرو می شود. همین طور جهت حفاظت دلارام از مضراب دیو (خواستگار دوم دلارام)، شب را در کنار دلارام به سر می برد. در بهمن نامه (۱۳۷۰: ۷۸)، به پیغام فرستادن لؤلؤ (معشوقه ازیلی کتایون دختر شاه کشمیر) جهت دیدار مخفیانه با کتایون اشاره شده است. و یا در گر شا سب نامه (۱۳۷۴: ۴۸-۴۹)، دیدار پنهانی سمن ناز با جمشیدشاه و یا دیدار پنهانی گرشاسب شاه با دختر قیصر روم چنین آمده است:

دیدار پنهانی سام و پریدخت:

همی جست در کاخ هر سوی راه	سپهبد فرود آمد از قصر شاه
دل و هوش و جان را همه برد باد	به ناکام برداشت پرده چو باد
نهاد اندرون خانه ماه پای	چو برداشت در را سپهبد ز جای
نگه کرد بر لعل و چشم سیاه	پنهانی بیامد به بالین ماه
به مانند جانش به بر در گرفت	سپهبد ورا تنگ در بر گرفت
ز می خاک در چشم زمزم زدند	بدین گونه تا صبحدم دم زدند

(سامنامه، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰)

از سویی عدم وجود و سائل ارتباط جمعی مثل تلفن، پست و... برعکس زمان حال حاضر باعث می شود تا عاشق و معشوق با کمک گرفتن از خدمه یا کنیزان خود اطلاع رسانی را انجام دهند چنانچه، در فرامرزنامه، فرامرز شاه از دایه درخواست می کند که واسطه دیدار پنهانی وی با دختر شاه کهیلا گردد:

یکی چاره‌ای کن به روشن روان	به دایه چنین گفت کای مهربان
به کردار، کوتاه کنی داوری	که امشب مرا نزد آن مه بری
ترا بی نیازی دهم در جهان	گر امشب ببینم رخ او نهان
پری رخ گرفتیش در آغوش تنگ	چو آمد برش مهتر تیزچنگ
کجا شیر با می بیامیختند	بدان گونه باهم برآمیختند
چو خورشید تابان برآمد ز جا	بود آن شب اندر بر دلبرها

(فرامرزنامه، ۱۳۸۲: ۲۸۴-۲۸۵)

دادن یک نشان به عروس از طرف داماد قبل از ازدواج

از جمله رسم‌هایی که در منظومه‌های مورد مطالعه کمتر به آن پرداخته شده است، رسم دادن یک نشان به عروس از طرف داماد قبل از ازدواج می‌باشد. منظور از نشان، وسیله‌ای است جهت شناسایی یا بازشناسی، که این نشان شناسایی می‌تواند هر چیزی باشد که به شناسایی بیانجامد. در قدیم از رایج‌ترین نوع نشان، مهره‌هایی بوده که بر روی کمر بند، بازوبند و مانند اینها نصب می‌شده است. بدین صورت که، در ابتدا قطعه‌ای فلزی بر روی کمر بند یا بازوبند نصب می‌کردند

سپس قطعه‌ای از سنگ‌های قیمتی بر روی آن قطعه فلزی قرار می‌دادند. هم در شاهنامه و هم در منظومه‌های سروده پس از آن این رسم در معدود مواردی ذکر شده است. برای مثال: در داستان، رستم و ته‌مینه، رستم رهگذری است که گذارش به سمندگان می‌افتد. پس به ناچار باید شهر بیگانه و هم سرش را ترک کند. به همین خاطر نشانی از خود برای فرزندش به یادگار می‌گذارد و آن مهره‌ای است که باید به گیسوی دختر و یا به بازوی پسری که زاده خواهد شد، بسته شود.

بدو داد و گفتش که این را بدار	اگر دختر آرد تو را روزگار
بگیر و به گیسوی او بر بدوز	به نیک اختر و فال گیتی فروز
ور ایدونک آید ز اختر پسر	ببندش به بازو نشان پدر

(شاهنامه، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵ / ۱۰۰-۱۰۳)

یا در برزنامه، سهراب بعد از ازدواج پنهانی با شهره برای ثبوت پیوندشان و به جهت ماندگاری نام و یادش نشانی از خویش (یک قطعه لؤلؤ گران قیمت) به شهره می‌دهد و از وی می‌خواهد تا زمان ارائه نشان، آن را نزد خود نگاه دارد.

زمانی در آن کار اندیشه کرد	حکیمی و مردانگی پیشه کرد
یکی لؤلؤ شاهوار ثمون	بدو داد کای سرو سیمین ستون
بگیر این گران‌مایه در یادگار	نگه کن که تا خود کی آید به کار

(برزنامه، ۱۳۸۷: ۸)

یا در شهریارنامه، فرامرز بعد از ازدواج با دختر تسلیم شاه، زمانی که از هم سرش جهت شکست دادن دشمنان جدا می‌گردد، شمشیر خود را به عنوان نشانی برای ثبوت نام و نشان به فرزندشان، به وی می‌دهد:

چو دختر بدیدش ببارید آب	فزون آنکه باران بارد سحاب
سپهبد بگفتا که دل شاد دار	تو را برد خواهم به ایران دیار
کنون در گمانم که بار آوری	نهان گوهرم را ز جان آوری
سپارم یکی یادگار پدر	سپاری به فرزند اگر شد پسر
بگفت این و بگشاد تیغ از میان	بدو گفت ای بانوی بانوان

(شهریارنامه، ۱۳۷۷: ۵۷۰)

سوگند خوردن عروس و داماد به خاطر علاقمندی برای هم اعتقادات و باورهای دینی ایرانیان در امورات اجتماعی بی شتر از مردمان هندو هم نباشد کمتر نیست؛ بی شک مطالعات انجام شده در این مورد نیز کم نیستند. با نگاه اجمالی به تاریخ ایران باستان در می‌یابیم، که در آیین‌های مقدسی هم چون ازدواج، بسته به موقعیت و شرایط دختر و پسر، رسمی با عنوان رسم سوگند خوردن، جاری و ساری بوده است و این رسم هم‌چنان نیز با عناوینی چون، عهد بستن زمان عقدخوانی و قول و قرارهای وفادارانه عروس و داماد حین ازدواج نیز قابل مشاهده می‌باشد. در هند باستان و ایران باستان به انواع مختلفی از رسم سوگند برمی‌خوریم، که البته در زمان حال حاضر این رسم‌ها در ایران کمتر شده، ولی در هندوستان بیشتر رسم‌های همسرگزینی در مناطق سنت‌گرا هم‌چنان پابرجاست. به طور مثال، رسم مانگال فراس، یکی از رسم‌ها حین عروسی در هند می‌باشد، که بنا بر گفته‌های محققان هفت مرحله بوده که آخرین مرحله سوگند خوردن عروس و داماد به صورت هفت مرتبه برای همدیگر می‌باشد. در متون کهن حماسی مورد مطالعه که یادگاران از دوران گذشته می‌باشند نیز دختر و پسر بعد از آشنایی و دیدارهای مکرر و شناخت کامل همدیگر برای وفاداری به عشق خودشان و یا جهت شکست دادن دشمن سرزمین دختر (از سوی سوی پسر معمولاً سوگند یاد می‌شده است) سوگند وفاداری ادا می‌کردند. نظیر مواردی که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

در شهریارنامه، سوگند خوردن شهریار بر دلارام جهت نجات پدرش جمهور شاه، از بند ارژنگ شاه آمده است، که پایبند بودن به سوگند خود نمونه‌ای از وفاداری عاشق و معشوق نسبت به همدیگر محسوب می‌گردد.

جهاندار گفتا به خورشید و ماه به	به تاج و به تخت و به دیهیم شاه
سوگند لب را یکی کار بند	بدان تا گشایم ز دستت کمند
برون آرم از بند جمهور را	برون کن ز سر فتنه و شور را به تاج و
به سوگند لب برگشود آن نگار	به تخت و سر شهریار
به تابنده خورشید و رخشنده ماه	به مهر و نگین جهانجوی شاه
که هستم ز جان چاکرت شهریار	و گر بگذرم زین شوم شرمسار

(همان: ۳۲۳)

وعده دادن

از جمله رسم‌های مورد توجه و مهم در منظومه‌های مورد مطالعه، رسم وعده‌دادن به اشکال متفاوت است. این رسم بعد از ثبوت عشق در بین زوجین بالأخص از طرف پسر جهت پی‌شبرد هر چه صمیمانه‌تر و عاشقانه‌تر رابطه صورت می‌پذیرد. پسر (پهلوان) باتوجه به موقعیت‌های خویش به دختر (همسر آینده) خود قول‌ها و وعده‌های امیدوارکننده می‌دهد.

۱. وعده اعلام کردن عروس به عنوان بانوی اول سرزمین از سوی داماد

از معمول‌ترین و مجذوبانه‌ترین وعده که پسر (پهلوان) برای دلگرمی و دل‌بسته‌کردن معشوقه خود (دختر) به وی قول انجام آن را می‌دهد، وعده بانوی اول سرزمین شدن عروس با دستور داماد است. شنیدن و آگاهی یافتن دختر به این مهم در پذیرفتن پیشنهاد خواستگاری برای وی بسیار حائز اهمیت بوده است. همانند شاه بهمن برای جلب رضایت همای، که به او وعده بانو اول ایران را می‌دهد:

اگر تخت ایران به چنگ آیدم	زمانه دل از زنگ بزدایدم
ترا بانوی شهر ایران کنم	بدان بدگنشی تیرباران کنم

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۱۳۲)

۲. دادن وعده جنگ با دیگر خواستگاران و دشمنان سرزمین عروس از سوی داماد

این نوع وعده گرفتن از پسر (پهلوان) از سوی دختر یا پدرش در داستان‌ها به دو دلیل انجام می‌گرفته است:

الف- ترس از تصرف سرزمین توسط دشمنان

از قرون گذشته و با توجه به تاریخ سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جهان، کشمکش و جنگ بین کشورها و کشورگشایی‌های همراه با گشت و گشتار، از جمله موارد هولناک برای مردم سرزمین‌ها محسوب می‌گردد. عواقب مقوله کشورگشایی بزرگان سرزمین از جمله شاهان و حاکمان مملکت، به فضای خانه و خانواده نیز ارتباط پیدا می‌کند. چه بسا در بیشتر موارد جهت صلح و دوستی بین دو سرزمین پیمان عقد و عروسی بین طرفین منعقد می‌گردد.

در برزنامه، برزو بعد از آن که افرا سیاب از دشمن خویش سخن می‌گوید، قسم یاد می‌کند که دشمن سرزمینشان را شکست خواهد داد:

به دیان دادار و روز سپید	به گردون گردان و تابنده شید
که گر دل برین کار پرکین کنم	مر این مرد را خاک بالین کنم

نشست تو را بر ثریا کنم

ز خون روی ایران چو دریا کنم

(برزنامه، ۱۳۸۷: ۲۲)

ب- آزمودن قدرت و توان داماد آینده

شنیدن اسم و رسم و القاب داماد از زبان خود و دیگران یکی از جمله تعریف‌های ظاهری وی محسوب می‌شده است. ولی، دیدن هیبت و قدرت پهلوانی وی در میدان‌های رزم و شکست دادن دشمنان، دلیل ثبوت قدرت و پهلوانی و تایید وی برای دامادی از سوی دختر و یا والدین وی تلقی می‌شد. پهلوانان با دادن وعده مبارزه و پیروزی، ادعای خود را به دختر و والدین وی ثابت می‌کردند. در بیشتر منظومه‌ها، آزمون‌های قبل از ازدواج، رفتن به جنگ‌های دشمنان و شکست دادن آنها برزنامه، آزمون برداشتن دختر از روی زین در بانوگشسب‌نامه، گذر از هفت‌خوان در فرامرنامه و... به عنوان وعده محسوب می‌گردید.

مشورت گرفتن

مشورت کردن یا همان مشاوره گرفتن در زبان امروزی از افراد خبره و باتجربه در رابطه با همسرگزینی از زمان گذشته تا به حال بسیار مهم قلمداد می‌گردد و وظیفه شخص مشورت شونده و یا همان مشاور، گفتن حقایق حتی اگر به خیر وی تمام نشود، می‌باشد. در متون کهن حماسی نیز مشورت گرفتن از بزرگان و نزدیکان در همسرگزینی یکی از آیین‌های مهم محسوب می‌شده است.

۱- مشورت با بزرگان خاندان در همسرگزینی

پادشاه مصر هم، در تعبیر خواب مربوط به ازدواج دخترش با یک ایرانی که همان پهلوان بهمن هست، با موبدان مشورت می‌کند:

ز رستم فراوان سخن‌ها براند
نیاراست کس پاسخش داد راست

دگر روز شه موبدان را بخواند
از ایشان در آن کار تدبیر خواست

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۳۸)

۲- مشورت با بزرگان دربار در همسرگزینی

در سام‌نامه، این وزیر فغفورچین است که با سام در مورد جلب رأی فغفورچین مشورت کرده و از وی می‌خواهد تا به وی اعتماد کرده، کار راضی کردن شاه و وصال پریدخت را به وی واگذار کند:

بدو گفت دستور کای نامدار
تو را کار سازم درین کار من
نیبنی بجز خوبی از شهریار
نباشد خلافی به گفتار من

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

۳- مشورت با دوستان در همسرگزینی

دوستان و نزدیکان از دیگر گروه‌های مشورتی برای زوج و زوجه محسوب می‌شدند. چه بسا قابل‌اعتمادترین افراد نیز به شمار می‌آمدند. در بیشتر متون حماسی نقش این افراد کم و بیش در داستان‌های همسرگزینی به صورت مکرر بیان گشته است. در کوش‌نامه (صص: ۳۲۹-۳۴۳) به نقش فرع، دوست آبتین، در اطلاع دادن دختران شاه بسیلا به وی و مشورت درباره دیدن فرارنگ.

۴- مشورت پدر دختر با وی در همسرگزینی

چنین برمی‌آید که در دوره پهلوانی دختر زودتر همسرش را برمی‌گزیند و سپس پدر آگاه می‌شود. مشورت پدر با دختر در ارتباط با انتخاب همسر برای وی، از محدود مشورت‌هایی است که کمتر در متون کهن بدان پرداخته شده است. برای مثال می‌توان به، مشورت شاه کشمیر با کتایون در مورد شاه بهمن خواستگار کتایون اشاره کرد که در آن پدر، در انتخاب همسر برای دختر با وی به مشورت نشسته است. اما ترس از لشکرکشی رستم و ویرانی سرزمین، همچنین دور گشتن از دختر بحث اصلی برای مشورت آن دو بوده است.

چه گویی چه سازم چه رأی آورم
اگر سرکشم کار گردد دراز
ابا او چه چاره بجای آورم
سپاه آورد گردد او رزمساز
وگر گویم آری مباد این سخن
که یک چشم زد دور گردی ز من

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۳۵)

حضور افراد خاص در همسرگزینی

موبدان، پی‌شگویان و اختر‌شنا‌سان، فرشتگان یا همان سروش‌های غیبی، جادوگران و دیوها، از جمله افراد خاصی هستند که در داستان‌های متون کهن حماسی منظوم، گاهی با عنوان مؤبد و فردخرمند برای مشورت، گاهی با پیش‌گویی‌ها در انتخاب یا عدم انتخاب فرد خواستگار برای همسر، زمانی مثل راهنما و یا گاهی دسیسه‌گر و زشت‌طینت به ایفای نقش پرداخته‌اند.

آداب خواستگاری

باورها و اعتقادات هر فرد، مهمترین نقش را در هم سرگزینی وی ایفا می‌کنند. چرا که این باورها ریشه در فرهنگ، مذهب و سنت جامعه‌ای دارد که شخص در آن پرورش یافته و با آن تعامل دارد و بر اساس همین باورهاست که الگوهای گزینش همسر در اندیشه افراد شکل گرفته و مبنای همسرگزینی آنان می‌شود. در میان ایرانیان باستان، ازدواج، جایگاه مقدسی داشته به طوری که در تمدن آریایی ازدواج مهمترین واقعه خانوادگی و از مراسم دینی به شمار می‌رفته است.

شواهد حاکی آنست که در دوران باستان خواستگاری به چند شکل متفاوت صورت می‌گرفته است، همچون: خواستگاری داماد از عروس به تنهایی از پدر عروس، خواستگاری داماد از عروس با فرستادن نمایندگانی نزد پدر عروس، خواستگاری داماد از عروس به همراه بزرگان از مادر عروس، خواستگاری عروس از داماد به تنهایی، خواستگاری پدر عروس از داماد، خواستگاری پدر از دختر خویش، معمولترین خواستگاری که در حال حاضر نیز همچنان پابرجاست و ارزشمندترین نوع خواستگاری به لحاظ حفظ قداست آیین ازدواج در میان ما ایرانیان ساری و جاری می‌باشد، خواستگاری رفتن پسر به همراه بزرگان به خانه پدر دختر و خواستن وی از پدر یا مادرش است.

فرامرزی پس از مشورت با یکی از بزرگان شهر، که دو ست خردمندش نیز محسوب می‌شده، درخواست می‌کند تا به نمایندگی از سوی او، نزد شاه کهیلا رفته و دخترش را برای او خواستگاری کند.

برای مثال:

یکی کار دارم به روشن روان	بگویم چو بر من تویی مهربان
ببینی یکی چهره شاه را	بخواهی ز بهر من آن ماه را
بدو گفت فرزانه کای سرفراز	همه کین به مهر تو دارد نیاز
ازین گونه اندیشه بر دل مبار	بزودی بسازم به نیکیت کار
وز آن پس بیامد به نزدیک شاه	زمین را ببوسید در پیشگاه
بدو گفت شاد است از بخت تو	وز آن نامور نازش تخت تو
پیامی گذارم به نزدیک شاه	از آن شیردل مهتر رزمخواه
مرا گفت رو پیش خسرو بگوی	که ای شاه فرزانه نیکخوی
مر آن خوبرخ را که از چنگ دیو	بر آوردم از قرقی کیهان خدیو
مرا ده به آیین زی کشورت	به من تازه کن گوهر و افسرت

(فرامرزنامه، ۱۳۸۲: ۲۸۷-۲۸۸)

اما غیر معمولترین نوع خواستگاری ازدواج با محارم و رواج آن در دوران ایران باستان، حاکی از ساری و جاری بودن این رسم در میان مردم ایران می‌باشد که در بیشتر اوقات استقبال بیشتر افراد

از جمله، شاه و حاکمان مملکت، شاهزادگان، بزرگان دربار و... برای حفظ و انتقال خون و نژاد برتر به نسل بعدی از نسل خودشان را در پی داشته‌است.

کوش شاه در دو نوبت به دختران خود عا شق می‌گردد که در اولین مورد (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۴۰۷-۴۰۹)، کوش به دنبال معاشقه فراوان با زنان بی‌شمار، به دختر خویش ماهچهر که در زیبایی شبیه به مادر بوده، دل بسته می‌شود و وعده‌های زیادی برای قبول خواستگاری‌اش به دخترش می‌دهد. اما دختر تقاضای پدر را رد کرده و با شخصی از درباریان به نام کنیاش، به شکل پنهانی ازدواج می‌کند. عاقبت این عشق انتقام‌گرفتن پدر از ماهچهر و کشتن همسرش کنیاش را در پی داشته‌است.

جواب به خواستگاری یا همان بله و برون

یکی از به‌یاد ماندنی‌ترین بخش در بحث هم سرگزینی طی شدن مراحل گام به گام آیین خواستگاری تا جشن ازدواج می‌باشد. هر چند از دوران ایران باستان برخی رسم‌ها به صورت کامل و جامع در اذهان عمومی ماندگار نگشته، ولی زیبایی انجام برخی دیگر از رسم‌های ازدواج، هنوز به قوت خویش باقی مانده است. از جمله این رسم‌ها، رسم بله و برون یا همان جواب گرفتن از عروس به خواستگاری پسر از او می‌باشد. در اکثر متون کهن خواستگاری رسمی در پیشگاه بزرگانی چون والدین دختر صورت می‌پذیرد و خواستن دختر از والدین وی بخصوص پدر، رسمی است که تا حال حاضر نیز مقدس شمرده شده و اجرا می‌گردد. در جواب خواستگاری بهمن از تندبر دخترش را، تندبر پاسخ مثبت می‌دهد. به‌طور مثال:

چنین گفت با تندبر شهریار	دل‌م شد مرین ماه را خواستار
به من ده که این مرمر درخورست	خُنک هر که را اینچنین دخترست
ز گفتار او تندبر گشت شاد	کلاه از بر چرخ گردو نهاد
به شاه جهان گفت رأی تو است	پرستنده خاک پای تو است

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ص ۴۰۸)

۲- آیین‌های حین و بعد از عروسی

آیین پاگشا

دید و بازدید و مهمانی‌های مخصوص بین دو خانواده به‌نحوی در ایجاد صمیمیت بین دو خانواده و برقراری ارتباط بی‌شتر در بین آنها کمک می‌کند. از این‌رو، ترتیب دادن مهمانی و یا گرمی‌داستن همدیگر در مجالس مختلف از شیوه‌های مختلف این نوع رسم محسوب می‌گردد. در جهانگیرنامه

(۱۳۸۰: ۲۲-۲۳)، مسیحای عابد بعد از آنکه نامه خواستگاری رستم به دست وی می‌رسد، رستم را به منزل خویش دعوت می‌کند. از آمدن رستم به منزلش و دیدن همسر آینده دخترش، بسیار خرسند می‌گردد. یک هفته رستم مهمان مسیحای عابد بوده‌است.

آیین تحفه یا هدیه دادن

هدیه دادن و هدیه گرفتن در ایران باستان از رسومات پرطرفدار بوده و بیشتر مخصوص جشن‌های باستانی است. هدیه دادن را می‌توان به عوامل اقتصادی مربوط دانست که برای حکام و بزرگان منافع‌های مادی به همراه داشته‌است. هدیه‌های این دوران شامل پول نقد از جمله سیم و زر، جامه و لباس و کنیزان ماهرو... بوده‌است.

در جهانگیرنامه، رستم پس از گرفتن پاسخ مثبت از عروس و مسیحای عابد برای دامادی وی، برای عروس تحفه می‌دهد مثال:

به دلبر از آن نیز پنجاه داد
از آن زیب و آرایش ماه داد

(جهانگیرنامه، ۱۳۸۰: ۲۵).

در برزنامه، سهراب پس از اطمینان از پاسخ مثبت شهره به پیوند با او، هدایای زیادی برای شهره می‌دهد مثال:

بدادش بسی گوهر نغز نیز
ز دیبا و زر و زرگونه چیز

(برزنامه، ۱۳۸۷: ۹)

در گرشاسب‌نامه، اثرط برای عروس پسر، گرشاسب هدایایی را اهداء می‌کند. به‌طور مثال:

گشاد اثرط از بهر جفت پسر
یکی گنج یاقوت و در سر به سر
بر او کرد چندان گوهرها نثار
که گنج پدر بر دلش گشت خوار

(گرشاسب‌نامه، ۱۳۷۴: ۲۱۷)

آیین واسطه‌گری

آیین واسطه‌گری از دوران باستان تا به حال در ایران ساری و جاری بوده‌است. واسطه‌ها گاهی دوستان، گاهی اقوام نزدیک و یا گاهی در مورد دختران کنیزها و در مورد پسرها، خادمان و گاهی دیوها بودند که دیدار عاشق و معشوق و همین‌طور فرستادن پیغام و دریافت از طریق این افراد

صورت می‌گرفته‌است. سمن‌ناز دختر شاه زابل با وساطت کنیز خود با جمشید آشنا می‌شود و این آشنایی تا مرحله ازدواج پیش می‌رود (گرشاسب‌نامه، ۱۳۷۴: ۴۸-۵۸).

کنیزک بخندید و آمد دوان	به بانو بگفت ای مه بانوان
جوانی دژم ره زده بر درست	که گویی به چهر از تو نیکوترست

(همان: ۴۸)

در کوش‌نامه آبتین برای رساندن پیغام خواستگاری به دختر طیهورشاه دو نفر از دوستان خویش را برای انجام این کار نزد طیهورشاه می‌فرستد:

فرع را فرستاد با کامداد	بدان سان که بایست پیغام داد
چو هر دو بر شهریار آمدند	به گفتار و پیغام یار آمدند

(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۳۳۸)

آیین عقدکنان

رسم عقدکنان اولین قدم شرعی ورود پسر و دختر به حریم پاک و مقدس زناشویی محسوب می‌گردد. در دوران باستان نیز حضور مؤبدان و شاهدان رسمیت عقد را مسجّل می‌کرده‌اند. در فرامرزنامه، بعد از رضایت شاه کهیلا به عروسی دخترش با فرامرز شاه، عقد آن دو برای همدیگر بوسیله موبد خوانده می‌شود:

یکی موبد پیر یزدان پرست	بشد دست مهرخ گرفته به دست
ببستند عهدی به آیین دین	زبان بزرگان پُر از آفرین

(فرامرزنامه، ۱۳۸۲: ۲۸۹)

رسم عقدکنان در منظومه سام‌نامه نیز اجرا می‌گردد به این نحو که، سام با غلبه بر دشمنان و کسب رضایت فغفورچین موفق به ازدواج با پریدخت می‌گردد.

بدیدند با مهر تابان و ماه	ابا سام آن شیر آوردگاه
ببستند عقد پریدخت ماه	ابا سام آن شیر آوردگاه

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۳)

آراستن عروس توسط مشاطه - رفتن به پیشواز عروس و داماد

در برخی از داستان‌های متون کهن از جمله منظومه سام‌نامه از مشاطه (آرایشگر) نام برده شده که عروس را برای شب عروسی آماده می‌کرده‌است. بعد از آراسته شدن عروس، رفتن به پیشواز عروس به همراه نوازندگان، رامشگران و... همین‌طور آوردن وی به مجلس عروسی، وظیفه داماد بوده‌است. در سام‌نامه، بعد از بسته شدن عقد سام با پریدخت در حضور موبدان و بزرگان سرزمین، عروس توسط مشاطه (آرایشگر) برای مراسم جشن عروسی آراسته می‌گردد.

نشستند و مشاطهٔ پرنگار	درآمد ز در بهر آن نوبهار
ندانست تا چهرهٔ ماهروی	چگونه بیاراید آن روی و موی
به پروین بیاراست رخسار ماه	به عنبر بیاراست زلف سیاه
بیاراستندش به صد گونه باز	ابر تخت بنشست آن عشوه ناز

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۳-۶۳۴)

به هنگام عروسی زال و رودابه، سیندخت مادر رودابه، آرایش او را به عهده دارد:

چو بشنید سیندخت گفتار اوی	به آرایش کاخ بنهاد روی
بیاراست رودابه را چون نگار	پر از جامه و رنگ و بوی بهار

(شاهنامه، ج ۱، ۲۲۸-۲۲۹)

تعیین مدت، مکان و آذین بستن شهر برای برپایی جشن ازدواج تعیین مکان مناسب برای برگزاری مراسم عروسی حائز اهمیت بوده است. به‌گونه‌ای که مکانی وسیع و مناسب برای شادی و جشن طولانی‌مدت با نظر شاه و بزرگان تعیین می‌شده است. در فرامرنامه بعد از آن که مراسم عقدکنان شاه فرامرز و دختر کهیلا شاه با رضایت پدر دختر و با حضور موبد و بزرگان سرزمین صورت می‌گیرد. به دنبال آن بساط جشن عروسی در بین مردم گسترده شده و دو هفته همین‌طور ادامه پیدا می‌کند:

سپهبد بفرمود تا مرد و زن	ز کوی و برزن شدند انجمن
سراسر به رامش به هامون شدند	و ز آن شهر پرمایه بیرون شدند
ز آواز رامشگر نای و نوش	جهان بود یکبارگی پر خروش
دو هفته بدین‌گونه رامش گزید	چنان رامشی در جهان کس ندید

(فرامرنامه، ۱۳۸۲: ۲۹۰)

در سام‌نامه نیز با اتمام کار آراستن عروس، سام با تحفه‌های فراوان همچون، هزاران اسب، فیل، گور، دیبا، فرش زربافت، غلامان و کنیزان بسیار و... به پی شواز عروس می‌رود. چهل روز مدت عروسی طول کشیده است.

چهل روز ساز عروسی گرفت
که یک‌شب همی مرغ وماهی نخفت

که گردونه گردان بمانده شگفت
جهان گشت با باده و عیش جفت

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۴)

در بهمن‌نامه (۱۳۷۰: ۴۵)، جشن عروسی کتایون و شاه بهمن در کشمیر به مدت دو هفته برگزار می‌گردد.

زن و مرد کشمیر با خواسته
ز آواز رود وز رامشگران
ز بس‌های هوی و ز بس مشغله
همه مردم شهر خودکامه بود
دو هفته چنان بود شهر از نثار
به درگاه شاه آمد آراسته
که دانست گفتار یکدیگران
در افتاد در کوها ولوله
درو بام و دیوارشان جامه بود
که باران بیبارد به گاه بهار

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۴۵)

تعیین ساقدوش برای داماد
با شروع مراسم عروسی یک یا دو فرد به صورت مشخص در اطراف داماد حاضر می‌شوند که با عنوان همراه یا ساقدوش داماد نام برده می‌شود. در سام‌نامه، این رسم را منوچهرشاه (شاه ایران) به جا آورده و سام را تا قصر عروس (پریدخت) همراهی می‌کند.

همان شاه همراه فرخنده سام
چنین تا بر پرده آمد فراز

سوی قصر آن ماه برداشت گام
از آنجا شهنشاه برگشت باز

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۵)

شبابش دادن در مراسم عروسی
رسم شبابش دادن به عروس و داماد در دوران ایران باستان بسیار کمتر مشاهده می‌شود، به طوری که این رسم به غیر از دو مورد متون کهن در دیگر متون مورد مطالعه قید نشده است. این رسم جهت نشان دادن خوشحالی نزدیکان از پیوند دو زوج با دادن هدایایی (بیشتر اوقات شبابش پول

است) از نوع طلا و دینار و درم بسته به واحدی پولی هر دوره به عروس و داماد اهداء شده یا بر سر آنها ریخته می‌شود. در بانوگشسپ‌نامه، رستم برای نشان دادن شادی و خوشحالی خویش از جشن عروسی دخترش بانوگشسپ و گیو بر سر آن دو درم‌های زیادی را می‌ریزد.

بسی ریخت رستم نثار درم که شد قصر ایوان چو باغ ارم

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۷۶)

جهیزیه بردن عروس

جهیزیه اسباب و وسایلی است که از طرف خانواده عروس تهیه شده و به خانه داماد برده می‌شود. در متون کهن مورد مطالعه علی‌رغم انواع مختلف هم سرگزینی و برپایی جشن عروسی، به غیر از منظومه کوش‌نامه تأکید یا اشاره چندانی به رسم جهاز دادن به دختر نشده‌است.

این رسم هنوز هم در میان شاه‌سون‌ها جاری است و جهیزیه عروس، همراه وی به خانه داماد فرستاده می‌شود، نه قبل از او (آذرافشار، ۱۳۶۸، ج ۲: ص ۶۴۴).

جمع شدن دختران در اطراف عروس

جمع‌گشتن دختران جوان و دم‌بخت در شب عروسی اطراف تازه عروس یکی از رسم‌های زیبایی است که در حال حاضر نیز این رسم در میان ما ایرانیان پابرجا است. این رسم برای گرمی‌داشتن آخرین شب مجردی دختر جوانی است که مراسم عروسی وی برگزار می‌گردد و به نوعی دختران دم‌بخت برای شادتر سپری‌گشتن آخرین لحظات دوران مجردی و شروع زندگی مشترک در کنار او حضور می‌یابند. با کمال تعجب و تأسف بایستی عنوان کرد که، در بین متون کهن مورد مطالعه تنها در منظومه سام‌نامه به این رسم پرداخته شده‌است.

از آن روی خوبان درون حرم نشستند باهم، رها کرده غم
همان دختران منوچهرشاه به گرد پریدخت در بزمگاه

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۶۳۳)

بردن عروس به خانه داماد و سرزمین دیگر

رفتن عروس به همراه داماد به خانه مشترک، از آخرین مراحل جشن ازدواج محسوب می‌گردد. در منظومه کوش‌نامه، آبتین بعد از زدواج با فرارنگ دختر طیه‌ور شاه، عروس را از سرزمین بسیلا به سرزمین خویش یعنی ایران می‌برد.

جهانجوی بر شاه کرد آفرین
به کشتی نشستند و شه بازگشت

فرارنگ بوسید روی زمین
یکی باد نوشین دمساز گشت

(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۳۶۳)

برداشتن روبند عروس توسط داماد

رونما یا روی‌نما خواستن در اصطلاح امروزی، این رسم گاهی با دادن هدیه‌ای همراه می‌شود که در وقت دیدن روی عروس برای بار نخست معمولاً داماد یا پدر داماد هدیه‌ای بعد از برداشتن روبند عروس به وی می‌دهند. در سام‌نامه، سام در انتهای مراسم عروسی به قصر پریدخت آمده و بعد از توصیف زیبایی وی، روبند پریدخت را بر می‌دارد.

رسم رونماخواستن، هنوز هم به گونه‌ای ویژه در برخی از نقاط ایران اجرا می‌شود. در خراسان، داماد در اتاق حجله از عروس می‌خواهد تا روی خود را باز کند اما عروس امتناع می‌کند و داماد با دادن هدایایی که معمولاً سکه یا انگشتر طلا می‌باشد، به عنوان رونما به عروس می‌دهد (میرنیا، ۱۳۶۹: ۷۸-۷۷).

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در متون حماسی کهن نیز مانند شاهنامه مورد توجه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ازدواج و تشکیل ساختار خانواده منوط به تشکیل پیوند بین دو خانواده دختر و پسر به موارد مهم و خاصی وابسته است که در آن دوران نیز بسته به عرف و شرع حاکم در جامعه از آن‌ها با عنوان آیین‌ها و رسم‌ها یاد می‌گردد. این آیین‌ها و رسم‌ها در دو بخش پیش از ازدواج و پس از ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. نخستین گام در بخش اول برای این امر مقدس، شناخت کامل از اصالت و یا از نژاد برتر بودن پسر و یا دختر و همچنین خانواده‌های آنها بود. هم‌کفو بودن یا همان برابری طبقات دختر و پسر به اندازه‌ای حائز اهمیت بوده است که گاهی مخالفت بزرگان را نیز در پی داشته است. اذن و اجازه گرفتن از والدین به خصوص اجازه پدر در ارتباط با ازدواج دختر در اغلب متون مورد مطالعه به چشم می‌خورد، که به نوعی نشان‌دهنده حاکمیت دوران پدرسالاری در آن عصر می‌باشد. همین‌طور یافته‌ها حاکی از آن است؛ در آن دوره نیز افراد خاصی که با عنوان واسطه از آنها نام برده شده، پیش از ازدواج به برقراری ارتباط‌های عاشقانه بین دختر و پسر و سوق دادن آنها برای ازدواج رسمی و تشکیل خانواده کمک شایانی می‌کرده است. دادن نشان از سوی پسر برای پایبندی و مسوولیت‌پذیری در مقابل همسر آینده و

فرزند، گرامیداشت مقام همسر با دادن وعده‌های بزرگ همچون بانوی اول سرزمین و... از رسم‌های خاص آن دوران محسوب می‌شده است. سوگند خوردن به وفاداری نیز رسمی بوده که بین دختر و پسر به خاطر علاقه‌مندی به هم ادا می‌گشت. شرکت در آزمون‌هایی با شروط سخت و خطرناک جهت بدست آوردن همسر مورد علاقه، یکی از آیین‌های بسیار مهم محسوب می‌گشته که خواستگار عاشق می‌بایست در آنها پیروز گردد تا بتواند با دختر مورد علاقه خویش پیوند زناشویی ببندد. اهمیت پیروزی در آزمون‌ها تا اندازه‌ای بوده است که به جنگ بین خواستگاران و کشته شدن رقیبان نیز می‌انجامید. دادن هدایای گوناگون و متنوع از سوی پسر به دختر و یا از سوی والدین آنها پیش از عروسی از دیگر آیین‌های مهم و زیبایی بیان شده در این متون کهن است. گاهی ارزش تحفه‌ها و هدایا تا بخشیدن تاج پادشاهی و مالکیت یک سرزمین نیز ذکر شده است. آیین‌های مربوط به پس از ازدواج رسمی زوجها در بخش دوم که با خواستگاری‌هایی در شکل‌های مختلف، که مر سوم‌ترین آن خواستگاری رفتن پسر به همراه بزرگتر به خانه پدر دختر و نادرترین آن خواستگاری پدر از دختر خود (خواستگاری کوش شاه از دخترانش) آغاز می‌شود و با آیین مشورت گرفتن از بزرگان، درباریان و دوستان و نزدیکان، رسم بله و برون، عقدکنان در حضور بزرگان و موبدان، آراستن عروس توسط م‌شاطه (آرایشگر)، ساقدوش یا همراهن داماد در شب عروسی ادامه می‌یابد، برپایی بساط شادی به مدت طولانی که از مراحل پایانی ازدواج است یکی از موضوعات مورد توجه در این تحقیق بود، اقوام گذشته جهت نشان دادن ارزش و قداست ازدواج مدت جشن و شادی را طولانی در نظر می‌گرفتند، آراستن شهر و مشارکت همگانی نیز ارزش آن را دوچندان می‌نموده است. به‌طور کلی می‌توان چنین اظهار داشت که پیروی از آیین‌های گذشتگان و صحه گذاشتن بر سخنان فردوسی حکیم در شاهنامه در ارتباط با پیوند زناشویی از نشانه‌های قابل توجه به لحاظ بررسی این متون می‌باشد.

منابع و مأخذ:

- ۱- آذرافشار، احمد (۱۳۶۸)، «افسانه‌های آذربایجان»، چاپ دوم، نشر دی.
- ۲- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)، «عشق سیال»، ترجمه: عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.
- ۳- بن‌ابی‌الخیر، حکیم ایران‌شاه (۱۳۷۰)، بهمن‌نامه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- بن‌ابی‌الخیر، حکیم ایران‌شاه (۱۳۷۷)، کوش‌نامه، تهران: انتشارات علمی.
- ۵- بن‌احمد اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی (۱۳۷۴)، گرشاسب‌نامه، تهران: کتابخانه طهوری.

- ۶- خالقی مطلق، ج (۱۳۸۱)، سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)، تهران: افکار.
- ۷- خاتمی، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۷.
- ۸- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات دایرة-المعارف، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- ۹- کراچی، روح انگیز (۱۳۸۲)، بانوگشسب‌نامه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- کوسج، شمس‌الدین (۱۳۸۷)، برزنامه کهن، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ۱۱- کیکاووس، خسرو (۱۳۸۲)، فرامرزنامه، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ۱۲- مادح، قاسم (۱۳۸۰)، جهانگیر نامه، تهران: انتشارات سینا نگار.
- ۱۳- مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۷۷)، شهریارنامه، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹)، «فرهنگ مردم (فلکلور ایران)»، چاپ اول، تهران: نشر پارسا، زمستان ۱۳۶۹.
- ۱۵- ناشناس، تصحیح رویانی، وحید (۱۳۹۲)، سام‌نامه، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب..